**خطاب به هییت تحریریه نشریه ستیز**

**با درود به کارگران**

ابتدا به ساکن ما به دست اندر کاران نشریه ستیز (بیداری کارگران شماره اول) به جهت همت شان برای انتشار چنین نشریه ای خسته نباشید میگوییم!

اما..... نقدمان در باب مطالب نشریه مخصوصا سر مقالات هیِت تحریریه را بیان میکنیم.

البته امیدواریم این نقد دوستانه را به فال نیک بگیرید و ..... باید گفت:

1. تنها بخش جذاب نشریه برایمان اخبار کارگری بود که آن هم بدون چاشنی تحلیلی اراِیه شده در چنین شرایط بحرانی!
2. در شماره اول نشریه (بیداری کارگران) این اسم حالت پلاک موقت را برای نشریه داشت ما نشریه ای کارگری با ابعاد اجتماعی را انتظار می کشیدیم توقع نداشتیم که در آن با داستان بی کیفیتی و نازلی از حسن حسام روبرو شویم و یا با مفهومی تازه کشف شده! بنام خمینیسم روبرو شویم.
3. در ادامه در شمارهای بعدی نشریه بنام ستیز (پلاک دایم) نوشتاری در باب نقش روشنفکر و کارگر به صورت (روشنفکر- کارگر) و (کارگران - روشنفکر) که کی نخبه گرایانه از فعالان کارگری آگاه ارایه شود. شاید تعویض نام نشریه از بیداری کارگران بخشیدن نقش ساعت شماطه دار به روشنفکران بوده که ما عکس آنرا تاویل میکنیم.
4. تبدیل شدن نشریه به صفحاتی و محلی برای جدلها و تسویه حسابهای جریانات ارتدکسی باقیمانده از شبه سوسیالیسم منسوخ شده مانند کائوتسکیسم - تروتسکیسم - لنینیسم و مائوییسم و...... آن هم باهدف ایجاد جبهه واحد (البته ایدیولوژیک) در میکسری بنام چپ جای تعجب داشته و محلی از اعراب ندارد! آن هم در چارچوب به اصطلاح گفتمان. البته مونولوگی هیئت تحریریه. آن هم باتوجه به وجود اینهمه شبکه های مجازی و ماهواره ای و جریانهای چپ و راست و... وچند سوال....
5. دمکراسی مورد نظر شما چه تعریفی دارد؟ تحلیل شما از روابط بین الملل ایران با سایر جوامع سرمایه داری چیست؟ تا چه اندازه در مورد جغرافیای انسانی مخصوصا طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و تاریخچه - پیشینه - جنبش کارگری ایران تحقیق کمی و کیفی انجام داده اید؟ طبق کدام منابع معتبر؟ آیا طرح هسته های انقلابی منتج به محاق بردن نقش شوراها (کارگری و محلی) و ایجاد پراکندگی در سازمان یابی یکپارچه جنبش اجتماعی جامعه - جنبش زنان دانشجویان معلمان پرستاران و ....... به رهبری طبقه کارگر نمیشود؟ آیا طرح جبهه واحد با مفهومی گل و گشاد و چراغ سبز نشان دادن محدوده سکولاریسم به بورژوازی نیست. آیا طرح خواسته های صنفی به جای مطالبات فراگیر رفاهی معیشتی پاسخگو بوده؟ آیا اکونومیستی خواندن مطالبات معیشتی فرار از طرح مطالبات و مبارزات پله به پله و سطح به سطح جنبش اجتماعی رو به جلو نیست و آیا.....
6. آنچه مسلم است ما در جامعه و جهان سرمایه داری در برهوتی از بی حقوقی اجتماعی سرکوب شده و... با محوریت کارمزدی در چرخه ساز و کار سرمایه در تولید و باز تولید سرمایه بصورت انباشت آن زنده ایم و بس.. شاهد وضعیت وخیم دستمزدها نرخ تورم به آب رفتن سبد معیشت خانوار های کارگری و زحمتکشان میباشیم که در واکنش به این ستم همگانی در ابعاد خود در لایه به لایه و سلول به سلول زندگی و حیات کم رمق اجتماعی مان موج زده و به صورت بارها اعتراضات و خیزشهای اجتماعی و اعتصابات و در نهایت جنبش فراگیر اجتماعی خود را پدیدار کرده است پس چگونه به خود بابک فرزاد اجازه می دهد که ستیز ضد سرمایه داری علیه سرمایه در ماشین کارمزدی با سوخت توان کارگری مان را در بد فهمی خود حول روند محو کارمزدی در سر مشقی اشتباه به قافیه بافی بپردازد؟ و تحمل و سعه صدر شنیدن نقد و نقادی را از طریق گرته برداری در مورد تئوری و تحلیل مشخص از اوضاع مشخص را فرافکنی کند! و ......

در نهایت برایتان ارزوی سلامت و تندرستی داریم که سخن زیاد است و مثنوی هفتاد من میشود.

فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان